

باسمه تعالی

سوالات متن درس اول فلسفه ی دوازدهم انسانی

*** کانال آموزش فلسفه دوازدهم انسانی در پیام رسان گپ ***

<https://gap.im/falsefe۱۲>

لینک کانال در پیام رسان گپ

خلیل شبانی نژاد دبیر فلسفه و منطق – شهرستان لامرد

هستی و چیستی

صفحه ۲ تا ۷

سوالات متن

- ۱- یکی از مباحث اولیه فلسفه چیست؟ چرا؟ ص ۲
یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چیستی (وجود و ماهیت) است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.
- ۲- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند چند حثیت می یابد؟ نام ببرید. ص ۳
دو حثیت می یابد: ۱- حثیت موجود بودن ۲- حثیت چیستی داشتن.
- ۳- وقتی می گوئیم هستی و چیستی دو جنبه یک چیزند، به چه معناست؟ با مثال توضیح دهید. ص ۴
وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، به این معنا نیست که آن ها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب شده اند، بلکه تفاوت این دو فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و الا در خارج دو چیز جداگانه به نام «وجود» و «درخت» نداریم.
نکته مهم ← درخت و وجود، دو مفهوم مختلف اند نه دو موجود جداگانه، یعنی در ذهن و فهم آنها را از هم جدا می کنیم و در خارج از ذهن آنها دو چیز نیستند و در مصداق یکی هستند.
توضیح: وقتی ما در بوستان (عالم خارج از ذهن) درختی را می بینیم پی به وجودش می بریم و بعد در ذهن در قالب یک قضیه منطقی وجود را بر درخت حمل می کنیم و می گوئیم: «درخت وجود دارد». وجود غیر از درخت است اما این تفاوت از نظر مفهوم و در ذهن است و از نظر مصداق و در عالم خارج، یک چیز بیشتر نیست.

۴- چه تفاوتی در حمل «وجود» بر انسان با حمل «حیوان ناطق» بر انسان وجود دارد؟ ص ۵

در قضیه «انسان موجود است»، ۱- ضروری و قطعی نیست (چون انسان هم می تواند باشد هم نباشد اما حیوان ناطق بودن برای انسان ضروری است)، ۲- به دلیل نیاز دارد ۳- موجود بودن با انسان به یک معنا نیست. اما در قضیه (انسان حیوان ناطق است) ۱- ضروری و قطعی است (چون انسان باید حیوان ناطق باشد و نمی توان گفت: انسان می تواند حیوان ناطق باشد یا نباشد و حیوان ناطق بودن برای انسان ضروری است)، ۲- به دلیل نیاز ندارد و کسی از ما نمی پرسد که چرا انسان حیوان ناطق است ۳- حیوان ناطق بودن با انسان به یک معنا است زیرا هرچه که انسان است حیوان ناطق نیز می باشد و هرچه که حیوان ناطق است انسان نیز می باشد. بطور خلاصه، حمل وجود بر ماهیت و نسبت دادن وجود به یک ماهیتی حتمی و قطعی نیست و لذا نیازمند دلیل است.

۵- نظریه مغایرت وجود و ماهیت باعث شکل گیری چه برهانی از سوی ابن سینا شده است؟ ص ۶

به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجود و امکان» نیز می باشد

۶- منظور از مکتب تومیسیم در فلسفه اروپا چیست؟ ص ۶

یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد. او همچون ابن سینا این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار مکتب فلسفی به نام «تومیسیم» در اروپا شد.

۷- چه چیز باعث شد تا فلاسفه غرب مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند؟ ص ۶

نتیجه آشنایی فلاسفه اروپایی با دیدگاه های «ابن سینا» و تا حدودی «ابن رشد» در قرون وسطی تا رنسانس، فرصتی فراهم آورد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه ارسطویی آشنا شوند.

سوالات جا خالی

- ۱- و دو فیلسوف بزرگ مسلمان هستند که به بحث مغایرت وجود با ماهیت پرداخته اند. ص ۴
- ۲- حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله انسان، نیازمند «دلیل» است و این دلایل یا از راه و یا از راه به دست می آیند. ص ۵